

کشتی به گل نشسته اهوازی‌ها

سام ستارزاده

روزنامه‌نگار ورزشی

شکست مقابل ملوان، میخ تابوت رویاهای بلندپروازانه فولاد نکونام بود؛ تیمی که پس از تحمل چند پنجره محرومیت از نقل و انتقالات، با چند خرید درجه اول به استقبال لیگ بیست و دوم رفت و پیش از سوت آغاز مسابقات فصل جاری، از بخت‌های فتح عنوان نیز به‌شمار می‌رفت. حال بدون پیروزی در دو ماه اخیر به استقبال تعطیلات جام جهانی رفت؛ با ۴ تساوی متوالی و سپس ۳ شکست متوالی از ۷ بازی اخیر که شامل تقابل با هر دو تازه‌وارد لیگ هم می‌شد و بدون کلین‌شیت در ۵ مسابقه آخر خود. این آمار فولادی است که فصل گذشته در

۶ بازی گروهی خود در لیگ قهرمانان آسیا تنها دو گل دریافت کرده بود و از ۹ بازی آخر خود در لیگ بیست‌ویکم، ۲۰ امتیاز جمع‌آوری کرده بود. میان فولاد تیم فصل دوم لیگ گذشته که جزیره ثبات لیگ بود و حتی فولاد پنج هفته ابتدایی این فصل، با فولاد آشفته و دل‌سرد کننده این روزها، تفاوتی جز عدم تمرکز نیست؛ ویروسی که از کادر فنی به خط دفاعی تیم که نقطه قوت آنان است سرایت کرده است. در تیمی که در آن مدافع جوان و کم‌ادعایی همچون سینا شاه‌عباسی از عهده مهار فده کارتابیا، شیخ دیاباته و سوفیان هانی برمی‌آمد، اکنون عارف آغاسی و موسی کولیالی که از رسوخ‌ناپذیرترین‌های چند سال اخیر فوتبال باشگاهی‌مان بوده‌اند، سر مسائل فنی با تعویض و تنبیه جواد نکونام روبه‌رو می‌شوند.

محفل قوی سپید در لیگ برتر

ایمان شیرازی

روزنامه‌نگار ورزشی

ملوانی‌ها موفق شدند دیدار معوقه خود را مقابل شاگردان جواد نکونام با پیروزی پشت سر بگذارند. شاگردان مازیار زارع با این برد فعلاً به لطف تقاضی گل بهتر خود را از منطقه سقوط خارج کرده است. همیشه در فوتبال این جمله به گوش‌مان خورده که تیم‌های ریشه‌دار باید در لیگ برتر حضور داشته باشند. اما همیشه ریشه‌دار بودن تیم نمی‌تواند

تیم را از سقوط نجات دهد. تازمانی که مدیریت درست در تیم‌ها صورت نگیرد نمی‌توان روی ماندن هیچ تیمی حساب کرد حال چه ریشه‌دار باشد چه نه، اما در مورد قوه‌های سپید شاید کمی امیدوارانه‌تر بشود به موضوع نگاه کرد. ملوانی‌ها در ۵ بازی اخیر خود دو پیروزی کسب کرده‌اند و حالا با برد مقابل فولاد که انتظار می‌رفت مدعی قهرمانی باشد به تعطیلات جام جهانی رفتند. نمی‌توان دقیق گفت این تعطیلات به سود یا ضرر ملوان خواهد شد اما

هر چه هست زارع خوب می‌داند انتظار از او و تیمش برای ماندن در لیگ برتر بسیار بالاست، پس بهتر است در این تعطیلات به بهترین شکل تیم خود را آماده بازگشت به لیگ بکند و در پنجره نقل و انتقالاتی زمستان نقاط ضعف تیمش را برطرف کند تا قوی سپید خیال کوچ دوباره به لیگ دسته یک را نداشته باشد.

تبریک سینیور

سینا فوتو

روزنامه‌نگار ورزشی

سرانجام نخستین جام برای ریکاردو ساینیتو به دست آمد تا اسم او به فهرست نام مربیان اضافه شود که توانسته‌اند برای استقلال جام بیاورند. فخرستی طویل که نیازی به مرور نیست، روز اولی که صحبت از حضور این مربی پرتغالی شد، خیلی‌ها به توانایی‌های او شک داشتند اما حالا عمده منتقدان او، پذیرفته‌اند که بار فنی او بالاست و توانسته کاری را انجام بدهد که آنها باور نمی‌کردند.

ساینیتو در این چند ماهی که از حضورش در ایران گذشته، هم منتقد دارد و هم حامی اما قصه اینجاست که هر دو طرف به او احترام می‌گذارند. بزرگترین انتقاداتی که به او می‌شود مربوط است به دیوانه‌بازی‌های او لب خط، که نمی‌شود نادیده گرفت. از طرف دیگر، این هم البته قابل‌تکتمان نیست که او دلایل خوبی برای عصبانی شدن دارد. اینکه در یک بازی سه پناحتی را بگیرند

عصبانیت دارد نه عادی بودن. مشکل از ما است که پذیرفته‌ایم اشتباهات مدام تکرار شوند و تکرار شوند و هی سکوت کردیم و حالا کار به اینجایی رسیده که می‌بینیم، یکی از خارج چرخه معیوب مربیگری در ایران آمده و اعتراضی را نشان می‌دهد که اتفاقاً شاید درست هم باشد. شاید اگر همه مربیان ما اینقدر نسبت به داوری‌ها و اشتباهات سکوت نمی‌کردند وضع بهتری داشتیم. به هر حال این شما و این نخستین جام سینیورا!

وقتی سوپر جام شباهتی به سوپر جام ندارد

یک ویتترین زشت

المان‌های یک بازی جذاب بی‌بهره است. برگزاری بازی در شهرستان و استادیومی که حتی چمن درست و حسابی که نیاز بدیهی و اولیه یک بازی با کیفیت است تا نحوه فیلمبرداری و مراسم ابتدایی و انتهایی این بازی هیچ شباهتی حتی به یک بازی رسمی ندارد؛ چه برسد به یک نمایش جذاب و شورانگیز که قرار است ویتترین فوتبال ایران باشد.

کاش متولیان فوتبال ایران و برگزاری این بازی، حداقل به این بدیهیات توجه کنند تا سوپر جام حداقل روی کاغذ به نمونه‌های خارجی و ایده‌آل آن شباهت داشته باشد. در غیر این صورت برگزار نشدن این نمایش بی‌رنگ و لعاب و زشت به اسم سوپر جام، به مراتب بهتر از برگزار شدن آن است!

دنیا چند سالی است برگزار می‌شود اما همانند تمامی پدیده‌های دیگر وارداتی و ورزشی با بدترین شکل گرده‌برداری شده و اجرا می‌شود. مسابقه‌ای فاقد از شور، جذابیت و هیجان که به شکل کلاً رفع تکلیفی برگزار می‌شود تا تنها برگزار شود. گویی سوپر جام یک نوزاد سرراهی است که والدینش هر جا که بتوانند، آنها را سر راه گذاشته و می‌روند!

ورای اینکه این بازی در اغلب کشورهای دنیا به عنوان فتح‌الباب فصل و جشن افتتاحیه مسابقات محسوب می‌شود و در ایران معمولاً در یک تایم پرت و کاملاً بی‌معنی برگزار می‌شود، شکل برگزاری آن ابتدا با یک جشن و یک افتتاحیه همخوانی ندارد و از تمامی عناصر و

بازی‌ای که شور، جذابیت، هیجان و البته درآمد را نیز به همراه دارد. در این بازی اگرچه همانند هر بازی و رقابتی برنده و بازنده متفاوتند و دو رقیب برای بردن و قهرمانی تلاش می‌کنند اما بازنده نیز با شکست چندان مغیوب نمی‌شود و زیاد ضرر نمی‌بیند. چه آنکه فلسفه وجودی این مسابقه جذابیت و تشریفات است.

در فوتبال ایران نیز این مسابقه به سیاق تمامی کشورهای صاحب فوتبال

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار

سوپر جام نمادین‌ترین مسابقه فوتبال در هر کشوری است که به نوعی ویتترین فوتبال یک کشور محسوب می‌شود. قهرمانان جام حذفی و لیگ هر کشور در این مسابقه تشریفات و نمادین مقابل هم به میدان می‌روند تا آینه تمام‌نمایی از فوتبال کشور را ارائه کنند.

قهرمانان

قهرمانان فوتبال ایران



اما در سال‌های قبل‌تر چطور؟ وقتی سوپر جام می‌توانست در تهران و به میزبان ورزشگاه آزادی یا حضور بیش از ۸۰ هزار تماشاگر برگزار شود و هر دو تیم بابت بلیت‌فروشی، تبلیغات محیطی و کنفرانس قبل و بعد از بازی صاحب درآمد شوند هم میزبان سوپر جام اغلب شهری بی‌طرف بود. در نتیجه درآمد باشگاه‌ها اقول چشمگیری داشت. وقتی در فوتبال ایران، متولیان برگزاری

لیگ و البته خود باشگاه‌ها، محل برگزاری سوپر جام آنقدر دور از هواداران و رسانه‌ها تعیین شد که نه تماشاگران و نه رسانه‌ها می‌توانستند از این مسابقه بهره کافی ببرند و نه باشگاه‌ها به این تصمیم غلط معترض شدند. امسال به دلیل وضعیت حاکم بر بسیاری از شهرها، مسابقات لیگ و سوپر جام بدون تماشاگر برگزار شد؛ در سه سال گذشته هم کرونا مانع حضور تماشاگران شد.

سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار

دنیای فوتبال - به ویژه بازی‌های مهم و پر مخاطب - محلی برای درآمدزایی و پولسازی است اما در ایران همه چیز مهم است الا بخش مالی و درآمدی یک مسابقه مهم و سرنوشت‌ساز؛ نمونه‌اش همین سوپر جام. در تمام ادوار، با کج سلیقتی مسئولان سازمان

کشتن فوتبال با تبعید به شهرهای دور

